



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۸/۰۴

احمد ادریس رحمانی

پیامد های مهم و ستراتیژیک کشته شدن الظواهری توسط امریکا

کشته شدن الظواهری در کابل بیشترین پیامد را برای انتخابات های پیش روی امریکا - خصوصاً برای موفقیت دیموکرات ها در ساختار قدرت نظامی و سیاست خارجی دارد. در قدم بعدی پیامد های مهم برای طالبان در کل و برای شبکه حقانی به صورت اخص دارد و در قدم سوم پیامدهای قابل ملاحظه برای پاکستانی ها میتواند داشته باشد، خصوصاً اگر این موفقیت به اساس همکاری آنها بدست آمده باشد. و در یک تصویر نسبتاً وسیع تر پیامد های قابل ملاحظه برای کمپ روس ها چینی ها و ایرانی ها خواهد داشت.

من در اینجا بصورت خلاصه پیامد ها را برای هر یک از این گروه ها برمی شمارم. اما از اینکه خیلی به جزئیات نخواهم پرداخت قبلاً عنر خواهی میکنم چون در یک پست از یک حد معین بیشتر نوشتن کار مناسب نخواهد بود:

۱. پیامد های مهم برای امریکایی ها (دیموکرات ها بصورت اخص):

بعد از خروج شتاب زده امریکایی ها از افغانستان دیموکرات ها در دنیای سیاست خارجی و روابط ژئوپولیتیک به شدت سرخورده و ناتوان ظاهر شدند. این باعث شد که روس ها جرئت پیدا کنند تا به اشغال اوکراین بپردازند و چینی ها هم آمادگی گرفتند تا در صورت امکان به اشغال تایوان دست بزنند. در رشته مقاله های که بعد از خروج امریکایی ها از افغانستان در سال گذشته نوشتم به وضاحت به این نکته اشاره کرده بودم که احتمالاً این شیوه برآمدن امریکایی ها در واقع میدان دادن به روس ها و چینی ها است تا جرئت پیدا کنند و کمی بیگدار به آب بزنند. اگر این مقاله برایتان خیلی منطقی به نظر نیامد حتما بروید اول سری به ان مقاله ها بزنید.

خوب - خروج امریکایی ها از افغانستان بالای روس ها تأثیر عاجل تر داشت اما چینی ها خیلی ماهرانه از یک عکس العمل عجولانه خوداری کردند. گرچه در یک مقطع از زمان شی جینگ پین میخواست عین کار پوتین را انجام بدهد اما شورای رهبری حزب کمونیست چین به شدت مانع اش شد تا به تایوان حمله نکند. حالا میبینیم که امریکایی ها بخاطر اینکه حوصله چینی ها را به سر ببرند نآسی پلوسی را با وجود تهدید رئیس جمهور چین به تایوان فرستادند. این مصداق جدی از نوشته سال گذشته است که گفتیم امریکایی ها به شدت میخواهند روس ها و چینی ها را تشویق به رفتن به میدان جنگ کنند.

چرا امریکایی ها در این مقطع از زمان چنین کاری را میخواهند بکنند؟

در همان مقاله سه قسمتی سال گذشته تشریح کرده بودم که اگر امریکایی ها با چینی ها و روس ها حالا تصفیه حساب نکنند، پنج سال دیگر ممکن اساساً نتوانند چنین یک تصفیه حسابی را انجام بدهند. نکته کلیدی همان دست رسی به تکنالوژی هوش مصنوعی است. اگر چینی ها پیش از امریکایی ها به این تکنالوژی دسترسی پیدا کنند دیگر امریکا یک جنگی را که با هوش مصنوعی رهبری شود برده نخواهد توانست. از قبل میدانیم که هوش مصنوعی در همه ابعاد زندگی بهتر از انسان های کار کشته تصمیم میگیرد. از مسابقات شطرنج باز آن ماهر دنیا با هوش مصنوعی همه خبر دارید. عین نتیجه را در میدان جنگ هم تجربه خواهیم کرد.

بناءً امریکایی ها نهایت کوشش خواهند کرد تا چینی ها را تشویق به یک جنگ پیش از رسیدن به این تکنالوژی نمایند.

تا به حال چینی ها نهایت خوداری از خود نشان داده آند. اما روز های آینده ببینیم که چقدر شی جینگ پین بهتر از پوتین در مسابقه صبر و شکیبایی موفق بدر خواهد آمد.

برگردیم به اصل موضوع - سه حادثه مهم در این دوسه ماه - شکست نظامی روس ها در اوکراین - سفر خانم پلوسی به تایوان - و کشته شدن الظواهری در کابل دیموکرات ها را در میدان سیاست خارجی و امریکایی ها را در میدان بازی ها ژئوپولیتیک به شدت امتیاز های بلند میدهد و شهرت گذشته تاریخی دیموکرات ها را که ترسو هستند و همیشه کبوتر گونه از حوادث میگریزند را به شدت رد میکند.

بناءً - مهم ترین پیامد این حمله در پهلوی دوحادثه دیگر برای موقف دیموکرات ها در میدان سیاست امریکا و دنیا است که به شدت آنرا مستحکم میسازد. به اساس این بررسی - اگر اشتباه نکرده باشیم - کسانی که زمینه کشته شدن الظواهری را مهیا کرده باشند در واقع باید منتظر تحایف و امتیاز های مهم از امریکا در روز ها و ماه های آینده باشند. در این ارتباط باید به شدت مواظب پاکستانی ها و گروه های مختلف طالبان بود که کدام شان در هفته های آینده بیشتر مورد لطف و شفقت امریکایی ها قرار خواهند گرفت. هر گروهی که بیشتر قرار بگیرد، احتمالاً در این پیروزی دیموکرات ها را بیشتر کمک کرده است.

با در نظر داشت گذشته - به برداشت من - احتمال اینکه جنرالان پاکستان این قمار را زده باشند خیلی زیاتر از کدام گروه یا فرد طالب است. دلیل اش هم اینست که طالبان هنوز در ساختار های بزرگ سیاست امریکا نفوذ لازم را ندارند و برایشان خیلی مشکل است چنین یک قمار را بدون تضمین بزنند. اما پاکستانی ها چرا؟ ما قبلاً بار بار دیده ایم که جنرالان پاکستانی رئیس جمهورهای امریکا را در مقاطع بحرانی سیاست کمک کرده اند (تا بقدر برسند و یا در قدرت باقی بمانند) و بعداً امتیاز های مهم را در بدل اش بدست آورده اند. مثال خیلی برجسته اش همکاری در کشتن اسامه بن لادن در مقابل بیرون شدن امریکایی ها از افغانستان است.

۲. پیامد های مهم برای طالبان - به خصوص برای سراج الدین حقانی:

در این دو سه روز خیلی کوشش کردم از طریق دوستانی که در افغانستان هستند سر و گوشی آب بدهم که آیا در این حمله واقعاً پسر سراج الدین حقانی و داماد اش کشته شده اند و یا خیر - اما تا به حال موفق نشدم چیزی بدست بیاورم. فقط همین قدر میگویند که بر علاوه الظواهری سه نفر دیگر هم کشته شده اند ولی معلوم نیست آنها کی ها هستند. طالبان به شدت این مسأله را میخواهند پنهان نگهدارند.

حال با در نظر داشت اینکه دقیق نمیدانیم چه اتفاق افتاده است، تنها کاری که انجام داده میتوانیم اینست که سناریو های مختلف را مطرح کنیم و بعد ببینیم در روز های آینده حوادث و اتفاقات عینی کدام سناریو را بیشتر تأیید خواهد کرد. به دلیل اینکه در اینجا صحبت به درازا نکشد فقط سه سناریو را که خیلی مهمتر از دیگر سناریو ها میتواند باشد به بررسی میگیریم:

۱. سناریوی اول اینست که کشته شدن الظواهری به کمک جنرالان پاکستانی صورت گرفته باشد. اگر این سناریو درست باشد - روز های آینده خراب شدن روابط شبکه حقانی با پاکستان را باید شاهد باشیم. خصوصاً اگر واقعاً اعضای فامیل سراج الدین در این حمله کشته شده باشند. ما قبلاً بیاد داریم که در سال ۲۰۰۱ پدر سراج الدین حقانی - جلال الدین حقانی اساساً بعد از پروسه بن و آمدن امریکایی ها به افغانستان به میدان جنگ امریکای ها نرفت. بعد از اینکه متوجه شد امریکایی ها میخواهند از او به خاطر روابط اش با القاعده انتقام بگیرند و خصوصاً بعد از اینکه اعضای فامیل اش را کشتند و به بگرام زندانی ساختند او سر به کوه و بیابان زد و رفت تا اینکه بعد به طالبان پیوست و تبدیل شد به یکی شاخه خیلی قدرتمند طالبان در ساحات جنوب شرق. بناءً اگر در این حمله اعضای فامیل سراج کشته شده باشد این بخش تاریخ یکبار دیگر تکرار خواهد شد. ممکن برای سراج کمی وقت بگیرد تا در یک ساحه محفوظ پنهان شود و افکار اش را دوباره جمع و جور ساخته تصمیم بگیرد که اول با کی بجنگد و بعد با کی تصفیه حساب کند.

۲. سناریوی دوم اینست که کشته شدن الظواهری به کمک طالبان قندهاری - خصوصاً شاخه ملا برادر صورت گرفته باشد. در اینصورت باز هم نکته مهم اینست که بر علاوه ایمن الظواهری آیا اعضای فامیل سراج هم کشته شده است یا خیر ولی در هر دو صورت اگر این سناریو درست باشد باید روز های آینده شاهد جنگ های سخت میان حقانی ها و طالبان قندهاری باشیم. اگر چنین شد ماقبلاً دیدیم که حتماً سر و کله نظامیان پاکستان دوباره پیدا خواهد شد و بین شان بصورت موقتی صلح خواهند کرد. تا جاییکه من از دور و نزدیک های ارگ شنیدم میگویند یک سکوت وحشتناک رهبری طالبان را فرا گرفته است و همه به شدت بالای همدیگر شک بر شده اند. همه فکر میکنند روز های سختی در پیش خواهد بود تا اینکه معلوم شود چنین یک حمله بزرگی را کی ها سهولت بخشیده اند. همه میدانند که از این به بعد لذت بردن از زندگی مجلل کابل برایشان سخت خواهد بود چون در هیچ خانه یی خود را امن احساس خواهند کرد.

۳. سناریوی سوم اینست که کشته شدن الظواهری یک معامله خیلی بزرگ بین طالبان و امریکایی ها بوده باشد - به شمول خود سراج الدین حقانی. این سناریو را بیشتر باید وقتی جدی بگیریم که معلوم شود کسی از نزدیکان او در این حمله کشته نشده اند و در ضمن روز های بعد باید شاهد برگشتن سراج الدین به کابل باشیم. در نظر اول این سناریو را نمی شود خیلی جدی گرفت چون از طالبان توقع نمیرود که به این اندازه نبوغ و ظرفیت قمار های بزرگ سیاسی در سطح بین المللی را پیدا کرده باشند ولی خالی از امکان نیست. اگر این سناریو درست باشد باید شاهد بهتر شدن روابط بین طالبان و امریکایی ها باشیم و شاهد خراب شدن روابط بین القاعده و طالبان. احتمالاً در صورت صحت بودن این سناریو رهروان القاعده از امروز به بعد برخلاف تصمیم گذشته شان به شدت به گروه های دیگر مانند داعش همکاری خواهند کرد و از طالبان انتقام خواهد گرفت. اما بهتر شدن روابط امریکا با طالبان را میتوان از همه بیشتر در همکاری های سیاسی - اقتصادی - و امنیتی شاهد باشیم. یک تعداد زیاد پروژه های امریکای که

فعالاً در افغانستان عملاً جریان دارند باید در اینصورت قطع نگردد و برعکس رونق یافته و توسعه نمایند. اگر این سناریو درست نباشد یک تعداد زیاد این پروژه ها بسته خواهد شد. چون ممکن نیست طالبان و القاعده در عدم موجودیت کدام معامله پنهانی در پی انتقام نبرایند.

اما صرف نظر از همه این سناریو ها سه مسأله بدون چون و چرا اتفاق افتاده است:

الف. اینکه توافق نامۀ دوحه هم از طرف طالبان و هم از طرف امریکا عملاً نقض گردیده است و از امروز به بعد چانس اینکه این توافقنامه عملی گردد خیلی کمتر از گذشته است.

ب. رقابت و شک و تردید بین رهبران طالبان خیلی زیاد گردید و چانس اینکه از امروز به بعد دیگر طالبان بتوانند یکپارچه عمل کنند خیلی کمتر از گذشته خواهد بود.

ج. روابط و اعتماد القاعده بالای طالبان از بین رفت و حتی اگر در پی انتقام از طالبان نبرایند دیگر به هیچ وجه به آنها اعتماد نخواهند کرد.

میبینیم که در هر صورت این حمله دست آورد های خیلی بیشتر از آن دارد که صرف یک نفر را کشته باشد.

۳. پیامد های مهم برای کشور های دیگر:

ماهیت و نوعیت تخنیکی این حمله اساساً برای طالبان و القاعده نه بلکه برای کشور های دیگر دیزان شده بود. استفاده از یک نوع خیلی پیش رفته راکت های هوشمند که بدون انفجار و تخریب صرف هدف مورد نظر را قطعه قطعه میکند - اما آتش سوزی و ویرانی به بار نمی آورد - یک نوع از دست آورد های نظامی امریکا در میدان مسابقات تکنالوژی جنگی است که بیشترین توجه را در بین نظامیان کشور های همسایه افغانستان جلب خواهد کرد نه طالبان و القاعده. ما از قبل می دانیم که استفاده از تکنالوژی نظامی در میدان جنگ اوکراین چطور روس ها را سرخورده نموده است. استفاده از ستلایت برای هدف گیری و نشانه گیری توسط راکت های هایمارس یکی از مهم ترین ابعاد جنگ اوکراین است که در این جا به آن نخواهیم پرداخت چون این مقاله قرار نیست در رابطه به جنگ اوکراین باشد. فقط همین قدر میخوام اشاره کنم که هر گاه کشوری در یک جنگ از یک تکنالوژی پیش رفته استفاده میکند بصورت اتوماتیک تصامیم یک تعداد زیاد از کشور هایی دیگر را که تصمیم جنگ دارند تغییر میدهد. هدف گیری با این دقت و به این شکل یک تعداد زیاد رهبران نظامی و سیاسی دنیا را به وحشت میندازد و مجبور شان میسازد تا در گرفتن تصامیم شان دوبار و سه بار فکر کنند. مثال خیلی برجسته چنین پیامد در گذشته حمله به قاسم سلیمانی بود که آب را در گلوی خامنه یی هم خشک کرده بود.

بی دلیل نیست که بعد از گذشت ۲۴ ساعت از نشست طیاره حامل خاتم پلوسی تا هنوز هم چینی ها عکس العمل جدی از خود نشان نداده اند. این در نفس خودش یک عقب گرد خیلی جدی برای موقف سیاسی شی جینگ پن در میدان سیاست چین به حساب میاید. او هنوز هم ناچار است کاری بکند تا در میدان سیاست خیلی برهنه و بی آب نشود. او خیلی تهدید جدی کرده بود که چنین کاری برای امریکا قیمت تمام خواهد شد. ولی بعد از ۲۴ ساعت تا هنوز معلوم نیست که چگونه این حرف اش را به کرسی خواهد نشاند. اگر روز های دیگر گذشت و کاری از رخ اش نیامد باید قبول کنیم که یکی از دلایل اش اینست که امریکایی ها با به نمایش گذاشتن امکانات نظامی پیشرفته شان تصامیم رهبران کشور های مختلف را دارند، تغییر میدهند. هنوز کمی وقت است ما تا دو یا سه هفته دیگر دوباره به این مسأله بر خواهیم گشت و بعد از عکس العمل شی این بعد مسأله را دوباره بررسی خواهیم کرد.

در کل:

برداشتن من اینست که بزرگترین پیامد حمله به الظواهری برای دیموکرات ها در داخل امریکا بیشتر از هر کس و یا کشور دیگر بوده است.